

عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون راهبری
ریای لرد جاناتان ساکس



با سپاسگزاری از بنیاد خیریه موريس ول برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

نترسیدن از بزرگی: امور

On Not Being Afraid of Greatness: Emor 5781

در پاراشای این هفته دو دستور مهم یهودیت یافت می شود؛ دستورهایی که به طبیعت هویت یهودی برمی گردد.

نام مقدس مرا آلوده نکن. من باید در میان بنی اسرائیل تقدیس شوم. من خداوند هستم که تو را مقدس ساختم و از مصر خرجهت کردم تا خدای تو باشم. (لاویان ۲۲:۳۲).

دو دستور مربوط به منع آلودن نام خدا یا هیلول هشم و تشویق به تقدیس نام خدا، کیدوش هشم، که به ما دستور تقدیس نام او داده شده است.

ابتدا باید مفهوم "نام" را که به خدا اطلاق می شود را درک کنیم. نام چگونگی شناساندن ما به دیگران است. پس نام خدا یعنی شهرت او در جهان. آیا ما او را سپس می گوئیم، احترام می گذاریم و بزرگ می داریم؟

دستورهای کیدوش هشم و هیلول هشم این مسئولیت را درون رفتار و ایمان یهودیان جا می دهد. منظور یسعیا همین بود که گفت: "خدا می گوید که شما شاهدان من هستید که من خداوند هستم." (یسعیا ۱۰:۴۳).

خدای ایسرائل، خدای بشریت است. او جهان و هستی را آفرید. همه ما را از یهودی و غیریهودی به شباهت خود آفرید. او همه ما را مورد عنایت قرار می دهد: "رحم مهرآمیز او شامل کل مخلوقاتش است." (مزامیر ۹:۱۴۵). با این همه خدای ایسرائل اساسا هیچ شباهتی ندارد با خدایان مورد باور مردم در دنیای باستان و یا واقعیت که خداناباوران امروزی به آن اعتقاد دارند. او با طبیعت یکی نیست. او طبیعت را آفرید. او با دنیای فیزیکی یکی نیست. ما قادر به تعیین مکان یا تشخیص موجودیت او از راه علم، یعنی مشهد، اندازه گیری و محاسبه نیستیم، زیرا او اصلا این گونه نیست. پس چگونه خدا شناخته می شود؟

ادعای اساسی تورات این است که خدا نه منحصر، اما در درجه اول از راه تاریخ یهود و راه های زندگی یهودیان شناخته می شود. چنانکه موسی در پایان زندگی خود می گوید:

و پیرامون روزهای گذشته پرسش کن، دیرزمانی پیش از روزگار شما، از زمانی که خدا انسان ها را روی زمین آفرید؛ پرسش کن پیرامون این سر تا سر دیگر افلاک. آیا هرگز چیزی عظیمتر از این اتفاق افتاده یا شنیده شده است؟ آیا هیچ قوم دیگری صدای سخن گفتن خدا را از میان آتش شنیده و آنگونه که شما شنیدید، زنده مانده باشد؟ آیا هیچ خدایی ملتی از میان ملل را برای خود برگزیده آنها را با نشانه ها و اعجازهای دست قدرتمند و ید افراشته، با جنگ، با دست قدرتمند و ید افراشته یا با کارهای عظیم و حیرت انگیز مانند همه آن چیزهایی که خداوند خدای تو در مصر جلوی چشمان شما برایتان انجام داد؟ (تثنیه ۳۲-۳۴:۴)

سی و سه قرن پیش موسی می دانست که تاریخ یهود منحصر به فرد بود و خواهد ماند. هیچ ملت دیگری چنین ازموین هایی را از سر نگذرانده است. پدیداری خدا به بنی اسرائیل یگانه بود. هیچ دین دیگری بر اساس وحی مستقیم خدا به کل یک قوم داده نشده، آنگونه که در کوه سینا اتفاق افتاد. بنابر این خدا - خدای وحی و رستگاری - از راه قوم بنی اسرائیل به دنیا شناسانده شده است. ما خود، گواهی هستیم فراتر از خودمان. ما سفیران اعزام شده به دنیا هستیم.

پس وقتی ما به گونه ای رفتار می کنیم که ستایش نسبت به یهودیت همچون یک ایمان و راه زندگی را بر می انگیزیم، کیدوش هشم یا تقدیس نام خداوند را اجرا کرده ایم. وقتی معکوس آنرا انجام می دهیم - به آن ایمان و راه زندگی خیانت کرده، مردم را وامی داریم که نسبت به خدای اسرائیل دشمن شوند - مرتکب هیلول هشم یا آلودن نام خداوند شده ایم. چنانکه عاموس گفت:

آنها بر سر فقیران کوبیدند، چنانکه گویی بر خاک می کوفتند و از اجرای عدالت در حق ستمدیدگان خودداری کردند... این گونه نام مقدس مرا آلودند. (عاموس ۲:۷)

وقتی یهودیان بد، غیراخلاقی و ناعادلانه رفتار می کنند، موجب هیلول هشم می شوند. آنها موجب می شوند که دیگران بگویند: من نمی توانم دین یا خدایی را احترام کنم که مردم را به چنین رفتارهایی تشویق می کند. همین در مقیاسی بزرگتر و بین المللی تر صادق است. پیامبری که هیچ گاه نکوشید به این امر اشاره کند، حزقیال است که پس از ویرانی معبد اول به تبعید بابل رفت. او از خدا چنین شنید:

من آنها را در میان ملل پراکنده ساختم و آنها در میان کشورها پخش شدند. من آنها را بر اساس رفتارها و اعمال آنها حکم کردم. و هر جا که در میان ملل رفتند، آنها نام مقدس مرا آلودند، زیرا درباره آنها گفته شده بود: "اینها قوم خدا هستند، با این حال می بیت سرزمین خدا را ترک کنند." (حزقیال ۳۹:۱۹)

این که یهودیان شکست خوردند و به تبعید رفتند فقط یک تراژدی برای آنها نبود. این یک تراژدی برای خدا نیز بود. او همان احساسی را داشت که یک والدین با دیدن فلاکت و زندانی شدن فرزندان خود دارند. والدین اغلب احساس شرم و شکست می کنند. "چگونه اینطور شد با این همه زحمتی که برای او کشیدم، نتوانستم فرزندم را از دست خودش نجات دهم؟" وقتی یهودیان به رسالت خود وفادار هستند، و مانند یهودی زندگی و رهبری کرده، الهام می بخشند، آنگاه نام خداوند تقدیس می شود. این نکته ای است که یسعیا از قول خدا می گوید: "ای ایسرائل شما خدمتگزاران من هستید که از راه شما مفتخر خواهیم شد." (یسعیا ۴۹:۳)

این منطق پشت کیدوش هشم و هیلول هشم است. سرنوشت نام خدا در دنیا وابسته به ما و رفتار ما است. به هیچ ملتی تا کنون مسئولیتی به این بزرگی داده نشده است. و هدف این بوده که ما هر یک سهمی در این مسئولیت داشته باشیم.

وقتی یک یهودی، به ویژه یهودی دیندار رفتار بدی می کند - در کسب کار غیراخلاقی

می کند یا یک حرف نژادپرستانه می زند، یا با نفرت با دیگران روبه رو می شود - بازتاب بد آن شامل همه یهودیان و یهودیت می شود. و وقتی یک یهودی، به ویژه یهودی دیندار رفتار خوب می کند - شهرت برای انجام کاری شرافتمندانه در کسب یا کمک به قربانیان آزاره دست می آورد، یا سخاوت روح از خود نشان می دهد - نه فقط بازتاب خوب آن شامل یهودیان می شود، بلکه احترام مردم برای دین در کل و در نتیجه برای خدا افزون می شود.

میمانیس [هارامبام] در متن تفسیر خود از قوانین تورات در مورد کیدوش هشم می افزاید:

اگر فردی در رفتار با هموعان خود محتاط و در گفتگو مودب و آرام باشد، هنگام دریافت خاکسار بشد و هنگام جدل تندگویی نکرده، به همه حتی آنان که با بی ادبی او را تهدید می کنند ادب نشان دهد، کار و کسب خود را با شرافت انجام دهد... و در همه کار فراتر از

وظایفش خوبی کند، و از سرردهای افراط و تفریط بپرهیزد، چنین فردی نام خداوند را تقدیس کرده است.

1

ربای نورمن لام داستان جالب مندل خدمتکار را بیان می کند. وقتی که اخبار حمله اسرائیل به انتبه در سال ۱۹۷۹ به یک کشتی تفریحی رسید، سرنشینان می خواستند به گونه ای به کشور اسرائیل و مردم یهودی احترام بگذارند. جستجو کردند ببینند آیا هیچ یهودی در عرشه کشتی حضور دارد؟ فقط یک یهودی آنجا بود: مندل خدمتکار. سپس در یک مراسم باشکوه کاپیتان کشتی تفریحی از سوی همه سرنشینان تبریک های صمیمانه خود را به مندل ابلاغ نمود و مندل ناگهان خود را سفیر یهودیان دید. ما همه چنین هستیم: سفیر همه یهودیان. چگونگی زیستن رفتار ما و برخورد با دیگران نه تنها روی ما بلکه بر روی همه یهودیان، در نتیجه یهودیت و خدا بازتاب داده می شود.

شکسپیر در *سب دوازدهم* نوشت: از بزرگی نترسید. برخی بزرگ به دنیا آمده اند، برخی بزرگی را به دست می آورند و دیگرانی بزرگی همچون وظیفه به آنها سپرده شده است. یهودیان در طول تاریخ وظیفه بزرگ بودن داشته است. زنده یاد میلتن هیملفارب نوشت: "تعداد یهودیان در جهان اندک کمتر از اشتباه در سرشماری چینی ها است. ما ما بزرگتر از شمار خود هستیم. چیزهای بزرگی پیرامون ما او برای ما اتفاق می افتند."²

خدا به حدی به ما اعتماد کرد که ما را سفیران دنیای خشن و بی ایمان ساخت. گزینش با ما است. آیا زندگی ما یک کیدوش هشم خواهد بود یا خدای نکرده، برعکس آن؟

¹ Maimonides, *Hilchot Yesodei ha-Torah*, 5:11.

² Milton Himmelfarb, *Jews and Gentiles*, Encounter Books, 2007, 141.

کاری انجام دادن، حتی یک کار در طول زندگی که به کسی این باور را بدهد که خدا در عرش وجود دارد و انسان ها را به انجام خیر در روی زمین الهام می بخشد، شاید بزرگترین دستاوردی باشد که هر کس می تواند آرزو کند.

شکسپیر به درستی این چالش را تعریف کرد: "از بزرگی نترس". یک رهبر موفق مسئولیت دارد که هم سفیر باشد و مردم را تشویق کند که آنها نیز سفیر باشند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی -

آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbitsacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust